

چشم انتظار پایان بیماران کددار هستیم

راز ۶ آیه‌ای که راه نجات شد



دکتر حمید عمادی
متخصص عفونی
از زندگی سایه
به سایه با کرونا
طی دو سال
در گفت‌وگو با
«ایران» می‌گوید

● فریبا خان احمدی
خبرنگار اجتماعی

بدهیم، دست‌شان را بگیریم که زمین نخورند، برای مریض‌ها و پرسنل غذای مقوی و آب‌میوه طبیعی بیاوریم تا قوت بگیرند.» ما تجربه کارهای جهادی را در پشت جبهه‌های نبرد در طول ۸ سال جنگ تحمیلی داشتیم و به مهربانی‌ها و فداکاری‌های‌شان ایمان داشتیم. در نهایت با آموزش خدمات اولیه مراقبت، نیروهای داوطلب وارد بخش‌ها شدند. ما نیروهای جهادی را فقط در مقطع جنگ دیده بودیم، هر چند هنوز هم به همین نیروها نیاز داریم ولی دیگر کسی نیست برای کمک‌مان بیاید. یعنی آن تحول مقطعی ادامه‌دار نشد.»

با یادآوری ایثارگری‌های نیروهای جهادی لیخند بر صورت دکتر عمادی می‌نشیند. ادامه می‌دهد: «درخواست‌ها و خرده‌فرمایش‌های بیماران کرونایی زیاد بود. ما حجم بالایی از بیماران را داشتیم که زمان می‌برد تا با آن حجم از شلوغی و ازدحام بیماران، کسی پیدا شود و آب دست آنها بدهد، نیروهای جهادی و بسیجی که وارد بخش‌ها شدند، همه چیز تغییر کرد. فضا مملو از آرامش روانی بود. یکی‌شان غذای مریض‌ها را می‌داد، آن یکی سرویس

ما می‌دانستیم
کووید ۱۹ به
این زودی تمام
نمی‌شود و هنوز
هم همین عقیده را
داریم. کلاً تنها کاری
که می‌کردیم رعایت
موارد بهداشتی
بود و باقی توکل
علی‌الله بود.

بیماری ممنوع شد. روزهای سختی بود؛ هم باید خانواده‌ها را قانع می‌کردیم که نمی‌توانند از حال و روز بیماران‌شان خبردار باشند هم اینکه عملاً با حذف همراه بیمار، کادر درمان مستأصل شده بود و کسی نبود یک لیوان آب دست مریض بدهد یا دست مریض را بگیرد و تا دستشویی همراهی‌اش کند. مراجعات به قدری زیاد بود که اگر پرستاران داروهای بیماران را می‌دادند، شوق القمر بود.»

دکتر عمادی می‌گوید: «می‌دانید چه چیزی تحمل سنگینی و تلخی روزهای ابتدایی شیوع پاندمی را برای ما سبک و شیرین کرد؟ حضور نیروهای جهادی داوطلب در بیمارستان. تصور کنید جا برای انداختن سوزن در اورژانس‌ها بودند و اوضاع کم‌کم داشت از کنترل خارج می‌شد تا اینکه یک مرتبه رد پای نیروهای جهادی از استان‌های مختلف به تهران نیز رسید. چند طلبه کار را شروع کردند و گفتند: ما چه کاری می‌توانیم برای کمک به بیماران و پرستاران و پزشکان انجام دهیم؟ اجازه بدهید کف اتاق‌ها را تی بکشیم، غذای مریض‌ها را

امام خمینی (ره) که از دو سال گذشته عهده‌دار فرماندهی میدان نبرد با کرونا است از خودش و حال و هوای بیمارستانی می‌گوید که در آن کار می‌کند. او صدای کسانی است که شجاعانه از زندگی سایه به سایه با کرونا می‌گویند. وی که هر صبح با خواندن آیه‌های قرآن از روی صفحه نمایش تلفن همراهش راهی بخش‌های عفونی می‌شود، می‌گوید: «لحظات خوب مان زمانی بود که مریض‌ها با حال خوب از بخش ترخیص می‌شدند و می‌گفتند: دکتر من داشتم می‌مردم تو جانم را نجات دادی. خدا پدر و مادرت را بیامرزد و به زن و بچه‌ات سلامتی دهد.» این حرف‌ها حال ما را خوب می‌کرد. همین قدردانی‌ها باعث می‌شد تاب‌آوری ما زیاد شود.»

سخت‌ترین لحظه‌ها برایش وقتی است که مریض‌هایش کد می‌خورند یعنی زمانی که جانباخته‌های کرونایی با کد مرگ صفر، گواهی فوت‌شان صادر می‌شود یا به بستگان بیمار می‌گوید حق دیدن عزیزشان را ندارند. می‌گوید: «طبق قانون به ما اعلام شد که بیماران نمی‌توانند همراه داشته باشند و ملاقاتی‌ها نیز به خاطر مسری بودن

«سلامت همه آفاق در سلامت توست / به هیچ عارضه شخص تو دردمند مباد.» پزشکان و پرستاران را می‌گویم همان سپیدپوشانی که در همه جای دنیا بیشترین فشار کاری را در مقابله با ویروس کرونا تحمل کرده‌اند. آنهایی که در بلبشوی هراس و اضطراب بیماری و مرگ، سینه سپر کردند تا سایه سنگین کرونا را از سر بیماران کم کنند.

صبح یکی از روزهای اول اسفند ۱۴۰۰ میهمان پزشکی هستیم که ۷۶۲ روز تمام است با زمزمه دعای «توکل» علی‌الله راهی ساختمان ۵ طبقه‌ای در انتهای بیمارستان امام خمینی (ره) می‌شود با این امید که بتواند دوباره نشانه‌های حیات را در بخش بستری بیماران بدحال کرونایی ببیند. پزشکان و پرستاران بخش عفونی بزرگ‌ترین مجتمع درمانی کشور بیش از دو سال است بدون هیچ چشمداشتی به دل آتش زده‌اند. حمید عمادی پزشک متخصص عفونی بیمارستان